

# قصه در قرآن

بتول ملائی

اشاره

نقل خاطرات خود و گذشتگان برای اطرافیان در محافل و روابط خانوادگی از دیرباز مورد علاقه بشر بوده و اگر چه نوعی نیاز روحی تفریح تلقی می‌شده، دو ثمره مطلوب داشته است:

۱. انتقال تجارب

۲. عبرت آموزی

و قرآن کریم این نیاز را به احسن وجه پاسخ داده است و داستان گذشتگان را به زیباترین روش بیان کرده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** قصه، قرآن، عبرت، اندیشه

## اهداف قصص قرآنی

قصه‌های قرآنی ژرف و پرمغز و پر نکته‌اند و در آن‌ها اهداف والایی نهفته است. اصولاً قرآن دارای نکات حکیمانه و اندرزهای هدایت‌گرانه است و هر کدام به سهم خود در تبیین اهداف عالی آن مؤثرند. از جمله هر گاه خداوند خواسته است معارف اخلاقی و اجتماعی را بیان فرماید، آن‌ها را در قالب امثال و داستان‌ها مطرح نموده است.

یکی از مسائل ویژه‌ای که قرآن به‌طور مکرر روی آن تکیه نموده اثبات وحی بودن قرآن است. قرآن در هر فرصتی سعی می‌کرد به جامعه عرب آن روز تفهیم نماید که آنچه پیامبر (ص) بر آن‌ها قرائت می‌کند از جانب خداوند است. بنابراین یکی از هدف‌های داستان‌گویی اثبات وحی و رسالت است؛ چراکه محمد (ص) خواندن و نوشتن نمی‌دانست و با دانشمندان یهود و نصارا هم‌نشین نبود، با این همه در نقل روایات پیامبران گذشته، از ابراهیم (ع) گرفته تا یوسف و موسی و عیسی (علیهم‌السلام)، آن‌چنان اشارات درست و دقیق بود که حقایق وحی محمدی (ص) را به اثبات می‌رساند (آفرینش هنری در قرآن: ۱۳۵).

یکی دیگر از اهداف مقدس قرآن در نقل داستان، اثبات وحدت اصول در ادیان آسمانی است. با دقت در داستان‌های قرآن، اولین نکته‌ای که در ذهن خواننده به‌وجود می‌آید آن است که تمام قصه‌های قرآنی از یک اصل و ریشه برخاسته‌اند و وحدت موضوعی آن‌ها حاکی از هدف‌دار بودن خداوند در نقل آن‌هاست. تمام ادیان آسمانی از جهت هدایت بشر به سوی سعادت از یک اسلوب و روش ویژه، که همان اصل تبشیر و انذار است استفاده می‌کنند. بنابراین مشاهده می‌کنیم، دعوت بشر به سوی توجه به مبدأ، معاد، حیات جاوید، نبوت و اصول دیگر جزو اصول و برنامه‌های اجتناب‌ناپذیر تمام انبیا به‌شمار می‌روند. روی همین اصل می‌توان گفت غرض دیگر داستان در قرآن بیان این واقعیت است که همه ادیان، از روزگار نوح تا عهد محمد (ص)، منبع الهی دارند و مطالعه و دقت در سرنوشت اقوام و ملل و پند گرفتن از سرنوشت آن‌ها کاری خردمندانه تلقی می‌گردد. لذا قرآن با ذکر سرنوشت اقوام و ملل گذشته،





۲. خداوند در ارائه داستان‌های قرآنی هیچ‌گاه به بیان یک بعد از ابعاد داستان نپرداخته و به همان اندازه که جنبه‌های بلاغی و اعجاز‌آمیز لفظی آن را متذکر شده جنبه محتوایی آن را نیز رعایت نموده است. بنابراین هر داستانی از داستان‌های قرآن، دارای مفاهیم بسیار عالی و تدبیرانگیزی است که می‌توان نکات برجسته‌ای از آن‌ها را، که در پویایی و تحرک جوامع بشری تأثیر دارند، استنباط کرد.

۳. داستان‌هایی که پرداخته ذهن انسان‌ها هستند، در اکثر موارد صرفاً جنبه سرگرم‌کنندگی دارند و در پاره‌ای از موارد با انگیزه‌های غیراخلاقی تدوین شده‌اند. اما مفاهیم عالی و ارزنده داستان‌های قرآن هر کدام در جای خود جهت هدایت و سعادت‌مند نمودن جوامع انسانی نقش عمده‌ای دارند.

۴. داستان‌های تخیلی، که محصول ذهن انسان‌ها هستند، با چندبار مطالعه تازگی و شیرینی خود را از دست می‌دهند و تکرار آن‌ها ملالت‌انگیز می‌شود در حالی که با هر بار قرائت و تکرار داستان‌های قرآنی، نکات تازه‌ای که در بطن آن داستان نهفته است روشن می‌شود. در نتیجه داستان‌های قرآنی هیچ‌گاه تازگی و طراوت خود را از دست نمی‌دهند و تشنگی و ولع انسان را در قرائت آن‌ها بیشتر می‌کنند.

روی همین اصل، علما و مفسران گران‌قدر اسلامی، که سرمایه عمر خویش را جهت تبیین مفاهیم شیوا و گران‌مایه قرآن صرف کرده‌اند، هیچ‌گاه از نقش عمده داستان‌های قرآن در تأثیرگذاری بر روحیه مردم غافل نبوده‌اند و به‌خوبی دریافته‌اند که اگر علما و مفسران و گویندگان اسلامی، مخاطبان خود-به‌ویژه نسل جوان- را با زبان داستان مورد خطاب قرار دهند، نقش هدایتگری و ارشاد را به‌خوبی ایفا کرده‌اند.

### گونه‌شناسی داستان در قرآن

قصه در متون دینی سابقه‌ای دیرینه دارد و ادیان مختلف به‌منظور هدایت و بیدار کردن انسان‌ها، از قصه‌گویی و داستان‌سرایی، بهره‌های فراوان برده‌اند. گرچه متأسفانه برخی کتاب‌های آسمانی، مثل عهد عتیق و جدید، به مرور زمان دستخوش تحریف شده‌اند اما هیچ‌گاه از داستان تهی نبوده‌اند.

هنر داستان‌سرایی با پیدایش بشریت پا به عرصه وجود نهاده و قدم به قدم همراه با انسان، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت‌سر گذاشته است. داستان با خمیرمایه درونی

که بر اثر اعمال زشت خود گرفتار خشم و غضب پروردگار شده‌اند، ملل حاضر و آینده را به تدبیر در سرنوشت آن‌ها دعوت می‌کند و زندگی آنان را به‌صورت درسی بزرگ به انسان‌های تمام اعصار آموزش می‌دهد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف/۱۱۱) و این چنین داستان‌ها و قصص گذشتگان را عبرتی برای خردمندان معرفی می‌نماید.

بر همین اساس، از اهداف دیگر قرآن در ذکر قصه و داستان عبرت‌آموختن از حوادث گذشته و زندگی امت‌های پیشین است. رمز سفارش و تأکید بر عبرت‌پذیری از فرجام کار امت‌های گذشته در جریان ثابت سنت‌های الهی است و ماجرای برخورد پیشینیان با انبیای زمان خود و پایان کار آن‌ها، داستان زندگی ماست، زیرا سنت‌های الهی، همیشه در تاریخ جاری هستند (تحلیل نو از قرآن: ۱۱۰).

یکی دیگر از اهداف عالی داستان‌ها در قرآن، فراهم کردن زمینه برای آرامش خاطر و اطمینان قلب پیامبر اسلام (ص) است. از آنجا که سختی‌هایی که حضرت، جهت هدایت انسان‌ها به‌سوی خداوند متحمل می‌شد. از تمام جوانب مشکل‌تر از رسالت انبیای گذشته بود و این امر در پاره‌ای از موارد باعث آزرده شدن خاطر حضرت (ص) می‌گردید، خداوند جهت تسکین و تقویت روحی پیامبر (ص) و اطمینان بخشیدن به او و پیروانش برای دستیابی به پیروزی، به بیان داستان‌هایی از زندگی انبیای گذشته می‌پرداخت. از جمله قرآن پس از ذکر داستان ابراهیم (ع) جهت آرامش خاطر حضرت پیامبر (ص) می‌فرماید: «پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: یکشیدش یا بسوزانیدش و خدایش از آتش برهانید و این برای مؤمنان عبرت‌هاست» (عنکبوت/۲۴).

لذا داستان‌های قرآن، علاوه بر داشتن تمام جنبه‌های هنری، که در سایر داستان‌ها اعم از متون دینی یا متون غیردینی وجود دارد، بیانگر این ویژگی است که آن‌ها ساخته و پرداخته قوه وهم و خیال انسان نیست و ریشه در علم خداوند دارد و صرفاً به‌منظور سرگرمی انسان‌ها نازل نگردیده است.

این ویژگی‌ها به‌طور کلی عبارت‌اند از:

۱. تمام داستان‌های قرآن مستند به حقایقی هستند که در عالم واقع اتفاق افتاده‌اند و همه آن‌ها دارای جنبه‌های پندپذیری و ارائه الگوی برتر جهت ادامه زندگی انسان‌ها هستند.

**داستان‌های تخیلی، که محصول ذهن انسان‌ها هستند، با چندبار مطالعه تازگی و شیرینی خود را از دست می‌دهند و تکرار آن‌ها ملالت‌انگیز می‌شود در حالی که با هر بار قرائت و تکرار داستان‌های قرآنی، نکات تازه‌ای که در بطن آن داستان نهفته است روشن می‌شود**



انسان سروکار دارد و همواره کودکان و بزرگسالان با شور و شوق نسبت به شنیدن انواع قصه‌ها ابراز علاقه می‌کنند. با توجه به این علاقه، نویسندگان و داستان‌پردازان، بهترین فرصت را برای القا و تفهیم نظریات خود در اختیار دارند. بسیاری می‌دانند که بیان مطالب اخلاقی و گاه مفاهیم پیچیده، به‌طور غیرمستقیم در قالب داستان، با روحیه بشر سازگارتر است. از این‌رو، سخنوران و مربیان نیز از این پدیده هنری بهره فراوان می‌برند.

هر اندازه که داستان‌نویس، مفاهیم را با الفاظ شیرین‌تر و شیواتر بیان کند، به همان اندازه بر جاذبه داستان خود افزوده است. علاقه انسان نسبت به سرنوشت قهرمانان و شخصیت‌های دینی و ملی و میهنی، می‌تواند بر تأثیرات تربیتی و اخلاقی داستان‌ها بیفزاید و مسئله آموزش از طریق داستان را به‌صورت جدی‌تر اعمال کند. داستان‌نویسی، از گذشته تاکنون یکی از شاخه‌های مهم، مؤثر و رایج در هنر بوده است. انسان ذاتاً به‌سوی قصه جذب می‌شود و از داستان‌ها و حوادث شگفت‌انگیز، به‌ویژه سرگذشت‌های دنباله‌دار، لذت می‌برد.

در بخشی از داستان‌های قرآن کریم مفاهیم عقلی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیا و معاد، در قالب الفاظ شیرین و شیوا بیان شده است. داستان‌های قرآن از ویژگی‌های هنری بالایی برخوردار است. قرآن، علاوه بر رعایت اعجاز لفظی، هیچ‌گاه از بیان محتوا و حقایقی که نقش هدایت و روشنگری دارد، غافل نمانده است. این داستان‌ها، ضمن آن‌که یک داستان و حکایت هنری و ادبی است، بیان‌کننده حقایق روشنگرانه‌ای نیز هست. داستان‌های قرآن، حقایق را با زبان هنر و تمثیل‌های بدیع و زیبا، که ذوق خواننده را برمی‌انگیزد، بیان کرده است.

داستان‌های قرآن، داستان‌های تخیلی نیستند. همه این قصه‌ها با واقعیاتی سر و کار دارند که در تاریخ زندگی بشر رخ داده است. در این داستان‌ها، ضمن الگو قرار دادن شخصیت‌های داستان برای انسان‌ها، مسیر درست هدایت نیز به آن‌ها نشان داده می‌شود. قرآن، کلامی حکیمانه از طرف خداوند دانا و متعال است و همین امر باعث می‌شود که داستان‌های آن نیز متناسب با روح کلی حاکم بر این کتاب باشد.

قرآن در شرایط جامعه جاهلی آن زمان، به طرز شگفت‌انگیزی به استخدام واژه‌هایی فاخر از زبان عرب

پرداخت و با سبکی ویژه با مردم سخن گفت، به نحوی که بزرگان عرب جاهلی اقرار داشتند که آنچه پیامبر اکرم (ص) بیان می‌کند، از سنخ کلام بشر نیست. لذا کسانی که قرآن را می‌خوانند و می‌شنوند، شگفتی کلام را حس می‌کنند اما اکثر آن‌ها قدرت تحلیل این نظم شگفت‌آور و هنرمندانه را ندارند.

با نگاهی کلی بر آیات قرآن کریم، مشاهده می‌کنیم که آیات آن و قصه‌های آموزنده این کتاب شگرف، همه در جهت هدایت انسان‌هاست. یکی از دلایل استفاده قرآن از قصص را می‌توان نقش مؤثر داستان در تربیت و آموزش انسان‌ها دانست.

مضمون اصلی قرآن کریم را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: اصول عقاید، احکام فقهی، حکمت‌ها و توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی، و قصص انبیا و داستان‌هایی از پیشینیان. در قرآن داستان‌هایی گوناگون از سرگذشت و سرنوشت پیامبران آمده که نام بیست‌وپنج پیامبر در ضمن این داستان‌ها ذکر شده است. پیامبرانی از جمله آدم، نوح، ادریس، هود، صالح، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، سلیمان، موسی، عیسی و محمد. درباره تعداد داستان‌های قرآن، اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون «ابواسحاق نیشابوری» تعداد داستان‌های قرآن را تا ۱۱۶ قصه برشمرده‌اند.

محققان در بررسی داستان‌های قرآنی روش‌های مختلفی را برگزیده‌اند. برخی از آن‌ها قصه‌ها را به ترتیب وقوع و دوره‌های ظهور انبیا نقل کرده‌اند. این داستان‌ها با طرح قصه آفرینش و حضرت آدم (ع) آغاز و با بیان وقایع زندگی پیامبر اسلام (ص) ختم می‌شوند. سبک دیگر از معرفی داستان‌های قرآنی، ترتیب قرار گرفتن آن‌ها در قرآن است که بر حسب درج قصه‌ها در سوره‌ها نقل و بیان می‌شود. در این شیوه، بررسی داستان‌ها با شأن نزول سوره‌ها و آیات انجام می‌شود.

داستان‌های قرآن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول داستان‌های بلند، که داستان‌هایی چون زندگی حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) از آن جمله‌اند. داستان‌های نیمه بلند، مانند داستان حضرت آدم و نوح و داوود (علیهم‌السلام) داستان‌های کوتاه، مانند داستان زندگی حضرت صالح، زکریا (علیهم‌السلام)

**در بخشی از داستان‌های قرآن کریم مفاهیم عقلی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیا و معاد، در قالب الفاظ شیرین و شیوا بیان شده است. داستان‌های قرآن از ویژگی‌های هنری بالایی برخوردار است. قرآن، علاوه بر رعایت اعجاز لفظی، هیچ‌گاه از بیان محتوا و حقایقی که نقش هدایت و روشنگری دارد، غافل نمانده است**

